

جامعه‌شناسی خانواده در قرآن کریم

سمانه جهانی*: دانش آموخته‌ی کارشناس ارشد، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم

سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ص ۱۰۰-۸۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۹/۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۱/۲۶

چکیده

جامعه‌شناسی خانواده یکی از رشته‌های تخصصی علم جامعه‌شناسی است که موضوع آن بررسی نهادهای خانواده، خویشاوندی و ازدواج، تاریخ تکوین، تحول و دگرگونی‌های حاکم بر هر یک از این نهادها و همچنین ارتباط نهادهای مذکور با سایر نهادهای اجتماعی جامعه و مطالعه اثرگذاری نهاد خانواده و تأثیرپذیری آن از سایر نهادهای جامعه می‌باشد. در این مقاله سعی بر آن است که با استفاده از روش اسنادی و با رویکردی توصیفی-تحلیلی، مباحث اصلی جامعه‌شناسی خانواده در قرآن کریم بررسی شود.

در این نوشتار بیان ارزش‌ها و اصول معنوی علم جامعه‌شناسی از منظر قرآن کریم مدنظر است و نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که ابعاد مختلف و مباحث اصلی مطرح‌شده در جامعه‌شناسی خانواده در قرآن کریم به‌طور مبسوط بیان شده است. خانواده از دیدگاه قرآن کریم نهادی اخلاقی، معنوی، آسمانی و اجتماعی است که از جایگاه والایی در جامعه برخوردار می‌باشد و تأثیر شگرفی بر سایر اجزای نظام اجتماعی برجای می‌گذارد و به‌طور متقابل از آنها تأثیر می‌پذیرد.

کلید واژه‌ها: جامعه‌شناسی، خانواده، کارکردهای خانواده، ازدواج، خویشاوندی، طلاق.

۱- مقدمه

موضوع جامعه‌شناسی عبارت است از بررسی جامعه انسانی که محصول تجمع افراد و عمل متقابل انسان‌هاست که با یکدیگر زندگی و معاشرت می‌کنند و در راه رسیدن به هدف مشترک با یکدیگر ارتباط و همکاری دارند (تقوی، ۱۳۷۹: ۱). یکی از رشته‌های تخصصی جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی خانواده است. از منظر جامعه‌شناسی و تاریخ، اولین نهاد بشری و ابتدایی‌ترین و کوچک‌ترین جامعه، خانواده می‌باشد. این نهاد همیشه توجه متفکرین و پژوهشگران را به خود جلب کرده است؛ چون خانواده به عنوان اولین آموزشگاه بشری براساس نوع رابطه با فرزندان، بیشترین تأثیر را اولاً بر چگونگی شخصیت روانی، اجتماعی و فرهنگی فرزندان دارد؛ ثانیاً به‌طور غیرمستقیم جامعه را متأثر از نوع روابط و فرهنگ خود می‌کند. لذا توجه به سلامت و چگونگی فضای درون خانواده از اهمیت بسیار زیادی برخوردار خواهد بود (منادی، ۱۳۸۵: ۱۵-۱۴). بنابراین می‌توان گفت در بین تمامی نهادها، سازمان‌ها و تأسیسات اجتماعی، خانواده نقش و اهمیتی خاص و بسزا دارد. تمامی آنان که در باب سازمان جامعه اندیشیده‌اند، بر خانواده و اهمیت حیاتی آن برای جامعه تأکید ورزیده‌اند (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۱). نهاد خانواده و کارکردهای آن از دیرباز از سوی ادیان، مکاتب و فرهنگ‌های مختلف، مورد توجه قرار گرفته است. این نهاد تأثیرگذار در اسلام نیز از جایگاه والایی برخوردار بوده و به آن توجه ویژه‌ای شده است. در اسلام خانواده یکی از نهادهای زیربنایی بنیاد هستی و از ساختارهای اصلی جامعه اسلامی به‌شمار می‌آید که همگام با دیگر ساختارهای جامعه در راه تحقق اهداف انسان، به عنوان خلیفه و جانشین خداوند، گام برمی‌دارد. از دیدگاه آموزه‌های دینی، خانواده سنگ بنای جامعه است که فرد را به جامعه و نسل‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌سازد و گروه‌های اجتماعی گوناگون را به هم پیوند می‌دهد (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸: ۵۴-۳۵). اگرچه تاکنون کتاب‌ها و تحقیقات فراوانی پیرامون کارکردهای خانواده در حوزه‌های مختلف ارائه شده است، ولی ضرورت دارد که نقش خانواده از نگاه قرآن کریم نیز بررسی گردد. بنابراین با توجه به اهمیت نظام خانواده در اجتماع و تأثیرگذاری قرآن کریم در زندگی انسان‌ها به عنوان مهم‌ترین کتاب آسمانی و محدودیت تحقیقات انجام شده در این زمینه، در این مقاله سعی بر آن است که ابعاد و موضوعات جامعه‌شناسی خانواده در قرآن کریم مورد بررسی قرار گیرد و بر اهمیت موضوع خانواده از دیدگاه قرآن کریم تأکید شود. در این پژوهش از روش تحقیق کیفی استفاده شده است و شیوه گردآوری داده‌ها به‌صورت مطالعه کتابخانه‌ای می‌باشد.

۲- ادبیات نظری

در این بخش ابتدا سوابق تجربی مرتبط با موضوع پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به جامعه‌شناسی خانواده و مباحث اصلی آن پرداخته می‌شود.

۲-۱- سوابق تجربی

- در مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده در قرآن»، نویسندگان آن نگاهی گذرا به برخی از مباحث جامعه‌شناسی خانواده دارد. موضوعات این مقاله عبارتند از: تعریف خانواده، شکل‌گیری خانواده،

انواع خانواده، انواع ازدواج، مقام زن، والدین، فرزندان حفظ کیان خانواده و معیارهای انتخاب خانواده. وی به خانواده گسترده متمایل است و در بحث شکل‌گیری خانواده، هرج و مرج جنسی را باور ندارد. خانواده چندهمسری، مرکب، زن‌سالار و گسترده از شکل‌های خانواده خوانده شده است و ازدواج ربایشی، اسارتی، معامله‌ای، موقت، شغار، مبادله‌ای، امانی، گروهی، معاوضی و ارثی ذیل عنوان انواع ازدواج آمده است. معیارهای انتخاب همسر ایمان، پاکدامنی، شایستگی، آرامش‌بخشی، خوش‌زبانی، تناسب سنی و تواضع معرفی شده است (بهرامی، ۱۳۸۵: ۷۷-۴۲).

*در پژوهش «تأثیر آموزه‌های عرفانی اسلامی بر نهاد خانواده»، تأثیر تعالیم نظری و عملی عرفان بر نهاد خانواده بررسی شده است. در بحث سیر و سلوک عارفانه و تأثیر آن در زندگی خانوادگی، به مبادی سیر و سلوک، احوال و مقامات عرفانی نظیر زهد، ورع، تواضع، صبر، توکل، عشق، و تأثیر آنها بر بنیاد خانواده پرداخته شده است. مؤلف در نهایت عوامل تقویت و تداوم زندگی خانوادگی از نظر عرفان را آرامش باطنی، تلطیف روح، خوش خلقی، نشاط و شادی، اعتدال در معیشت و غیرت‌ورزی دانسته است (جوانی، ۱۳۸۹: ۱۰۹-۸۵).

*مقاله «ثربخشی رعایت آموزه‌های اخلاق اسلامی در کارآمدی خانواده» با رویکرد تحلیلی و توصیفی و باهدف شناسایی آموزه‌های اخلاق اسلامی تدوین یافته است. در این نوشتار آموزه‌های اخلاقی خانواده از آیات و روایات مربوط به خانواده استخراج و مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در منابع دینی برای تمام جنبه‌های زندگی خانوادگی، دستورالعمل‌های اخلاقی بیان شده است. صبر، راستگویی، تکریم، احترام متقابل، مدارا با یکدیگر، دلسوزی، مهربانی و مثبت‌اندیشی از جمله مهم‌ترین رفتارهای اخلاقی هستند که بر کارآمدی خانواده تأثیر مستقیم دارند (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۸: ۱۱۸-۹۱).

*تحقیق «نقش التزام به آموزه‌های دینی در تربیت و استحکام خانواده»، حاکی از آن است که در متون دینی توصیه‌های اخلاقی، اعتقادی و عبادی زیادی وجود دارد که التزام به آنها باعث تقویت، تربیت و استحکام خانواده می‌شود. در این تحقیق به جایگاه عبادت و اعتقادات در خانواده پرداخته شده و ضمن برشمردن نموده‌های اعتقادات و اعمال عبادی به تبیین نقش هر کدام توجه شده است (پناهی، ۱۳۸۹: ۹۶-۷۷).

*در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه شغلی زن در خانواده و اجتماع از دیدگاه قرآن»، با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی، دیدگاه اسلام در مورد فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی زنان و اشتغال و شخصیت زن مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که زن در راستای نقش تربیتی در خانواده می‌تواند در اجتماع به فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بپردازد. اسلام مانع مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نمی‌شود؛ بلکه برای این کار ارزش قائل است. زن در نگاه قرآن عضوی مؤثر در اجتماع است و باید مانند مردان در مسایل مهم اجتماعی نقش آفرینی کند. در کل، اسلام جامع‌ترین و کامل‌ترین نگرش را نسبت به اشتغال و شخصیت زن دارد (شاهدی و فرجودی، ۱۳۸۹: ۱۳۲-۱۱۱).

اگرچه بررسی تحقیقات و پژوهش‌های مذکور نشان از توجه به اهمیت موضوع جامعه‌شناسی خانواده در قرآن کریم دارد اما یکی از نقایص موجود در این پژوهش‌ها این است که اکثر تحقیقات با یک نگاه تک

بعدی مباحث جامعه‌شناسی خانواده را از منظر قرآن کریم بررسی کرده‌اند و نگرش چند ساحتی در اکثر تحقیقات دیده نمی‌شود. در نوشتار حاضر سعی بر آن است که، قلمروهای اساسی جامعه‌شناسی خانواده در نگاهی کل‌نگرانه مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۲-۲- سوابق نظری

این بخش از تحقیق به منظور آشنایی بیشتر به معرفی مباحث عمده جامعه‌شناسی خانواده اختصاص دارد.

۲-۲-۲-۱- جامعه‌شناسی خانواده

جامعه‌شناسی خانواده شاخه‌ای تخصصی از جامعه‌شناسی عمومی است که موضوع مورد بحث آن عبارت است از مطالعه نهادهای خانواده و خویشاوندی و ازدواج، بررسی تاریخ تکوین تحول آنها و کشف و بیان قانونمندی‌های حاکم بر حرکت و دگرگونی‌های نهادهای مذکور در طول تاریخ (تقوی، ۱۳۷۹: ۳ و ۲). این شاخه از جامعه‌شناسی در کنار بررسی روابط درون خانواده (اعم از روابط بین والدین، فرزندان، فرزندان با هم و زوجین با یکدیگر) به روابط میان خانواده و جامعه، نقش خانواده در نظارت اجتماعی، قدرت اجتماعی و سرنوشت اجتماعی توجه دارد (سگالن، ۱۳۷۷: ۳۱۶). هدف جامعه‌شناسی خانواده، مطالعه، بررسی، شناخت و توصیف فعالیت‌های مختلف و شبکه ارتباطات از سویی بین اعضای خانواده و از سوی دیگر بین اعضای خانواده و دیگر نهادهای اجتماعی می‌باشد. در واقع جامعه‌شناسی خانواده از این جهت به خانواده توجه می‌کند که یک اثر اجتماعی دارد؛ یعنی نظام و سازمان فعالیت‌های اشخاص در ارتباط با جامعه می‌باشد. فعالیت خانواده یک فعالیت مجزا نبوده، بلکه کاملاً جدای از جامعه نمی‌تواند شکل بگیرد (منادی، ۱۳۸۵: ۳۴).

۲-۲-۲-۲- مباحث اساسی جامعه‌شناسی خانواده

- سرفصل‌های اساسی جامعه‌شناسی خانواده به شرح زیر می‌باشد:
- خانواده: شامل تعریف، کارکردها و انواع خانواده.
- ازدواج: تعریف ازدواج و ابعاد اجتماعی آن و بررسی انواع ازدواج.
- خویشاوندی: شامل تعریف خویشاوندی و انواع آن.
- طلاق.
- نوع روابط در خانواده.

۲-۲-۳- جامعه‌شناسی خانواده در قرآن کریم

۲-۳-۱- اهمیت نظام خانواده و فلسفه تشکیل آن

خانواده نهادی بسیار اثرگذار و منتقل کننده ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگر است (یزدی، ۱۳۸۶: ۱۸۳-۱۵۱). خانواده در زمره عمومی‌ترین سازمان‌های اجتماعی است و براساس ازدواج بین دو جنس مخالف شکل می‌گیرد و در آن مناسبات خونی واقعی یا اسنادیافته به چشم می‌خورد. خانواده معمولاً دارای نوعی اشتراک مکانی است؛ هر چند همواره چنین نیست و همین نیز وجه تمایز مفاهیم خانواده و خانوار است و کارکردهای گوناگون شخصی، جسمانی، اقتصادی و تربیتی را برعهده دارد. بدین قرار خانواده واحدی است اجتماعی با ابعاد گوناگون زیستی، اقتصادی، حقوقی، روانی و جامعه‌شناختی؛ خانواده نهادی است اجتماعی و از طرف دیگر از عوامل مهم مؤثر بر جامعه است (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۳۶).

به نظر می‌رسد تعریف خانواده جز از طریق شناخت حقیقت و ماهیت روابط حاکم بر آن امکان پذیر نباشد. و در این راه تنها تعالیم مقدس اسلام است که می‌تواند راهگشا باشد. از منظر قرآن کریم، انسان‌ها طوری آفریده شده‌اند که گرایش به همسر و تشکیل خانواده در سرشت و فطرت آنها وجود دارد و اصولاً خلقت انسان‌ها جفت جفت است و هیچ مرد و زنی نیست که برای او جفتی خلق نشده باشد؛ چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: «وَحَلَقْنَاهُمْ أَزْوَاجًا: مَا شِمَارًا جَفْتِ جَفْتِ أَفْرَدِيمِ.» (نساء/۸) همچنین در آیه دیگری آمده است: «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا...: خداوند شما را از خاک و سپس از نطفه آفرید و شما را جفت جفت گردانید.» (فاطر/۱۱) قرآن با این گونه تعبیرات در حقیقت به فلسفه اساسی تشکیل خانواده اشاره می‌کند و منشأ جفت‌گرایی را طبیعت بشر می‌داند. خداوند زن و مرد را مکمل هم قرار داده است؛ بنابراین از منظر قرآن روی آوردن به تشکیل خانواده، ریشه در طبیعت بشر دارد و نه تنها برخلاف نظر برخی از نظریه‌پردازان، منشأ این تمایل، حس استخدام طلبی بشر نیست، بلکه ناشی از عواطفی بسیار قوی است که انسان را از خودخواهی به دگرخواهی می‌رساند و همین امر باعث استحکام خانواده می‌گردد (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۱۵-۱۱۱).

توجه به احکام زنان مطلقه و حقوق آنها در آیات ۷-۴ سوره طلاق نشان دهنده اهمیتی است که اسلام برای نظام خانواده و حفظ حقوق زنان و فرزندان قائل است (مکارم شیرازی و همکاران، ج ۲۴، ۱۳۷۴: ۲۵۱). آیه ۱۵ سوره مبارکه احقاف نیز بیانگر اهمیت پیوند خانوادگی و احترام و اکرام پدر و مادر و توجه به تربیت فرزندان است و در آن نیکی به پدر و مادر به عنوان یکی از اصول انسانی ذکر شده است (مکارم شیرازی و همکاران، ج ۲۱، ۱۳۷۴: ۳۲۵، ۳۳۳ و ۳۳۴). و آیات ۲۹-۲۷ سوره نور، این حق را برای انسان قایل است که در محیط خانوادگی خویش از امنیت و آزادی برخوردار باشد؛ بنابراین هشدار می‌دهد که به خانه مردم بدون اذن وارد نشوید (مکارم شیرازی و همکاران، ج ۱۴، ۱۳۷۴: ۴۲۹).

۲-۲-۳-۲- ازدواج

ازدواج پدیده‌ای است که طی آن به‌منظور تشکیل و ادامه زندگی زناشویی بین زن و مرد، پیوندی صورت می‌گیرد که از یک سو متکی بر نیازهای طبیعی است و از سوی دیگر در یک قالب اجتماعی، متکی بر شرایط اجتماعی، هنجارها، تجربیات و به‌طور کلی نظام فرهنگی جامعه می‌باشد (مهدوی، ۱۳۷۷: ۱۱). ازدواج عملی است که پیوند بین دو جنس مخالف را بر پایه روابط پایای جنسی، موجب می‌شود. ازدواج مستلزم انعقاد قراردادی اجتماعی است که مشروعیت روابط جسمانی را موجب می‌گردد و ارتباطی را

می‌رساند که در مقایسه با دیگر ارتباطات انسانی تامّیتی بی‌نظیر و جنبه‌های گوناگونی دارد (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۲۳).

ازدواج سنت تغییرناپذیر الهی است که در قرآن نه تنها به انسان، بلکه به همه موجودات نسبت داده شده است: «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ... ما از هر چیز دو جفت آفریده‌ایم» (ذاریات/۴۹) (حسینی کوهساری، ۱۳۸۴: ۱۶۰-۱۳۹). تعبیر قرآن از ازدواج تعبیر زیبایی است که خود به تنهایی از تفاوت ماهیت این رابطه با سایر روابط اجتماعی حکایت می‌کند. قرآن ماهیت پیوند ازدواج را «میثاق غلیظ» می‌داند.

آیات فراوانی به امر ازدواج و ترغیب به ازدواج آسان، تطابق ازدواج با قانون آفرینش، تحقق حفظ نوع بشر به وسیله ازدواج و اهمیت آن اشاره نموده‌اند؛ در آیه شریفه: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» همسران خود و غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید اگر تنگدستند خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد و خدا گشایش‌گر داناست. (نور/۳۲)؛ خداوند متعال انسان‌ها را به ازدواج آسان ترغیب می‌نماید چرا که یکی دیگر از مهم‌ترین طرق مبارزه با فحشاء، ازدواج ساده، آسان، بی‌ریا و بی‌تکلف است؛ تعبیر «أَنْكِحُوا» به معنای این است که مقدمات ازدواج را فراهم کنید و برای کسانی که زمینه ازدواج برایشان فراهم نیست، پیشه کردن عفت و پارسایی ضروری است: «وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ... و کسانی که [وسیله] زناشویی نمی‌یابند باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی‌نیاز گرداند». همچنین از این آیه استنباط می‌گردد که ازدواج یک سنت الهی و یک حکم فطری و هماهنگ با قانون آفرینش است و انسان برای بقاء نسل و آرامش جسم و روح و حل مشکلات زندگی به ازدواج سالم نیازمند است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۴۵۶ و ۴۶۳) از این آیه می‌آموزیم که احساس تنگدستی نباید به دوری از ازدواج بینجامد؛ چرا که این وسوسه‌های شیطانی است (مظاهری، ۱۳۶۴: ۹۰ و ۲۰). این وعده جمیل و زیبایی است که خدای تعالی نوید داده است تا از فقر نترسند که خدا ایشان را بی‌نیاز می‌کند و وسعت رزق می‌دهد و آن را با جمله «...وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» تاکید کرد که البته رزق هر کس تابع صلاحیت اوست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۱۵۷).

در آیه ۲۲۳ سوره بقره، خداوند ازدواج را وسیله‌ای برای حفظ نوع بشر بیان می‌کند و به ضرورت وجود زن در اجتماع انسانی و اینکه انسان برای ادامه نوع خود به وجود زن نیازمند می‌باشد، اشاره می‌نماید: «نَسَأُكُمْ حَرْثَ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ...» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲).

مطابق آیه ۱۱ سوره شوری نیز ازدواج یکی از نشانه‌های بزرگ تدبیر پروردگار و ربوبیت و ولایت اوست که برای انسان‌ها همسرانی از جنس خودشان آفریده است که مایه آرامش روح و جهان هستند: «فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۳۶۶). همچنین خداوند ازدواج را مایه آرامش، دوستی و رحمت میان زنان و مردان معرفی می‌کند: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» و از نشانه‌های او اینک است که از نوع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام‌گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد آری در این انعمت [برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است. (روم/۲۱)] مطابق این آیه کریمه، خداوند استمرار حیات نوع بشر

را به پیوند زن و مرد وابسته داشته است. ولی این پیوند به گونه زور و اجبار نیست بلکه به رغبت و میل دو طرف صورت می‌گیرد. پیوندی که خدا میان زن و مرد قرار داده است، بسا از یک مودت مادی مبتنی بر مصالح مشترک و خدمات دو جانبه تجاوز کند و به صورت یک پیوند روحی درآید (مدرسی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۲-۳۳). بنابراین یکی از روشن‌ترین جلوه‌گاه‌ها و موارد خودنمایی مودت و رحمت، جامعه کوچک خانواده است. چون زن و شوهر در محبت و مودت ملازم یکدیگرند و اگر این رحمت نبود نسل به کلی منقطع می‌شد و هرگز نوع بشر دوام نمی‌یافت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۲۵۰).

مطابق این آیه از قرآن می‌توان بیان داشت که اسلام تنها به نیازهای جسمی انسان‌ها توجه ندارد بلکه به نیازهای روحی، روانی و معنوی انسان‌ها نیز توجه دارد. یکی از این نیازها نیاز به محبت و مهربانی است. این نیاز را اسلام در خانواده تأمین می‌نماید. لذا از جمله اهداف مستقیم ازدواج، تشکیل خانواده و از جمله اهداف غیرمستقیم آن تأمین محبت، مهربانی و مودت همسران و فرزندان نسبت به یکدیگر و دیگران است. اگر خانواده به برآوردن این نیاز اقدام نمود، جامعه لبریز محبت می‌شود و هرگز دچار کمبود و کاستی در محبت نخواهد شد و از تمام مفاسد این کاستی در امان خواهد ماند (زینتی، ۱۳۸۴: ۲۲۷-۱۹۷).

بنابراین آرامش ازدواج هم از نظر جسمی و روحی است و هم از نظر فردی و اجتماعی؛ زیرا با ترک ازدواج و عدم ارضای نیازهای بشری، تعادل حیاتی انسان به هم خورده، به تعبیر روایات منجر به شرارت و پستی می‌شود (حسینی کوهساری، ۱۳۸۴: ۱۶۰-۱۳۹).

ویژگی‌های مناسب یک همسر شایسته از جمله نکاتی است که در قالب بحث ازدواج در قرآن کریم به آن اشاره شده است؛ این امر نشان دهنده توجه وافر دین مبین اسلام به مسأله ازدواج می‌باشد؛ یکی از شروط و اولین شرط یک همسر خوب، پاکیزگی و پاکی وی می‌باشد که سایر ویژگی‌ها تحت الشعاع آن قرار دارند (...وَلَهُمْ فِيهَا اَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ...) (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ج ۱: ۱۴۲). قرآن در آیه ۵ سوره تحریم، شش وصف برای همسران خوب شمرده است:

۱- اسلام (مُسْلِمَاتٍ)

۲- ایمان عمیق اعتقادی (مُؤْمِنَاتٍ)

۳- حالت قنوت یعنی تواضع و اطاعت از همسر (قَانِتَاتٍ) ۴- توبیخ؛ یعنی اگر کار خلافی از او سرزد، در اشتباه خود اصرار نوزد (تَائِبَاتٍ)

۵- عبادت (عَابِدَاتٍ)

۶- اطاعت امر خداوند و پرهیز از هرگونه گناه (سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَ اَبْكَارًا). آیه ۳ سوره تحریم نیز رازداری را یکی از مهم‌ترین شرایط یک همسر وفادار معرفی می‌کند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲۴: ۲۸۳).

۲-۲-۳-۱- ابعاد اجتماعی ازدواج

با توجه به ورود فرهنگ به حریم زوجیت می‌توان گفت ازدواج به تمام معنی، یک پدیده اجتماعی است و دارای ابعاد اجتماعی زیر می‌باشد: «ممنوعیت‌ها، محدودیت‌ها و مشکلات در راه گزینش همسر»؛ «ممنوعیت‌ها» به معنای قوانین خاصی هستند که در راه گزینش همسر وضع می‌شوند و مانع تحقق

ازدواج بین افرادی ویژه می‌گردند. پیدایی دو صورت از زوجیت درون همسری و برون همسری، در نتیجه تمهید این قوانین صورت گرفته است. تیلور، ممنوعیت زنا با محارم را دارای نقشی حساس در تطور فرهنگی می‌داند. در بیان «محدودیت‌ها» می‌توان گفت جامعه همواره کوشیده است با اعمال شیوه‌هایی خاص از ازدواج فرزندان خود جلوگیری نماید. محدودیت‌ها موانعی هستند که در عمل، گزینش همسر را صورتی خاص می‌بخشند مانند شرایط تحصیلی و جغرافیایی «مشکلات» نیز تأثیر فرهنگ و جامعه بر گزینش همسر را نشان می‌دهد که گاه با تعبیه مشکلاتی چند صورت می‌پذیرد مانند مراسم بزرگ و مهریه‌های سنگین (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۳۰-۲۸).

۲-۲-۳-۲-۲-۲ محدودیت‌های ازدواج

منع ازدواج با محارم: آیه ۲۲ و ۲۳ سوره نساء و آیه ۲۲ سوره بقره به قاعده منع ازدواج با محارم اشاره می‌کنند: «وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا: با زانی که پدران شما با آنها ازدواج کرده‌اند، هرگز ازدواج نکنید؛ مگر آن چه در گذشته انجام شده است؛ زیرا این کار عمل زشت و تنفر آور و راه نادرستی است» (نساء/۲۲). و «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخْوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخْوَاتُكُمُ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ... حرام شده است بر شما، مادرانتان و دختران و خواهران و عمه‌ها و خاله‌ها و دختران برادر و دختران خواهر شما و مادرانی که شما را شیر داده‌اند و خواهران رضاعی شما و مادران هسمرانتان» (نساء/۲۳).

در این آیات ازدواج با چند زن که در زمره محرمات نسبی هستند، حرام شمرده شده است: مادران، دختران، خواهران، عمه‌ها، خاله‌ها، دختران برادر و دختران خواهر. در ادامه نیز محرمات سببی یعنی زانی که خواستگارشان اشرک در خون ندارند بلکه به خاطر وصلت و پیوند خویشاوندی با آنها مرتبط شده‌اند بیان شده‌اند: «... وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخْوَاتُكُمُ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ...» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۴۱۷-۴۱۹).. اسلام تأکید می‌کند که این احکام و قوانین پایه و اساس تمدن شماسست و سهل شمردن و بی‌اهمیت دانستن آنها پایه‌های موجودیت شما را سست و ای بسا کارتان را به نابودی کشاند. در واقع فلسفه چنین تحریمی تهدید خانواده به اختلافات داخلی و شیوع روابط فحشاء در میان نزدیکان یک خانواده واحد و انتقال بیماری‌های ارثی است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۴۷).

همچنین در آیه ۲۳ سوره نساء به تحریم ازدواج با دو خواهر:

«...وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ...» در یک زمان اشاره می‌کند. این حکم نیز برای دوری از آشفتگی‌های خانوادگی است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۴۷).

منع ازدواج با افراد ناپاک: آیه ۲۴ سوره نساء نیز به شرایط تحریم ازدواج افراد ناپاک (زناکار) با افراد پرهیزگار و پاک اشاره می‌کند؛ این ازدواج جایز شمرده نشده است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۴: ۳۶۶).

منع ازدواج با مشرکین: در آیه ۲۱ سوره بقره علت تحریم ازدواج با مشرکین بیان می‌شود: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ تُؤْمِنَ وَلَا مُمِنَةً خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ... با زنان مشرک تا ایمان نیاورده‌اند، ازدواج نکنید، کنیزان باایمان از زن آزاد مشرکه بهترند» (انصاریان، ۱۳۷۶: ۱۵۷). چرا که مشرکین معاشران خود

به‌خصوص همسران خود را به‌سمت بت‌پرستی و روحیات ناپسندی که از بت‌پرستی سرچشمه می‌گیرد، دعوت می‌کنند که سرانجامش آتش قهر خداست (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲: ۹۶).

محدودیت در تعدد زوجات: در اسلام اصل زندگی خانوادگی روی تک‌همسری است ولی مسأله تعدد زوجات به‌حکم ضرورت‌ها و با رعایت شرط عدالت مجاز می‌شود. به تصریح قرآن مرد در صورت داشتن همسران متعدد وظیفه دارد بین آنها عدالت را رعایت کند. این عدالت در جنبه نفقه، مسکن، سرپرستی، کفالت‌های مالی و عاطفی، روابط جسمی و روانی است. اگر وحشتی در میان باشد که نتواند عدالت را رعایت کند، به حکم قرآن باید به همان یک زن قناعت نماید. بنابراین اسلام تعدد زوجات را بنا به مصالحی می‌پذیرد (قائمی، ۱۳۶۴: ۲۸۲): «...فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً...» از میان زنان، دو، سه و یا چهار همسری را که می‌پسندید، اختیار کنید؛ ولی اگر هراس آن دارید که از راه عدالت منحرف شوید، تنها یک همسر برگزینید (نساء/۳) (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۵۱). بنابراین مسأله تعدد زوجات را باید همچون طلاق از نگاه اضطرار نگریست. یعنی همان‌طور که طلاق در اسلام در مواقع ناچاری است و در حالت عادی از مبفوض‌ترین امور است تعدد زوجات نیز یک وضع استثنایی در شرایط خاص است (مظاهری، ۱۳۶۴: ۱۴۰).

همسان همسری: یکی از شرایط بسیار مهم در ازدواج، هم‌کفو بودن زوجین است. مهم‌ترین مرحله شباهت، باید در چهره دینداری جلوه کند؛ به این معنا که مؤمن هم کفو مؤمنه و دیندار شبیه دیندار است؛ به فرموده قرآن مجید: «...وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ...» زنان پاک لایق مردان پاکند. (نور/۲۶) و «...فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ...» پس با زنان پاک ازدواج کنید. (نساء/۳) (انصاریان، ۱۳۷۶: ۱۵۶).

۲-۲-۳-۲-۳- انواع ازدواج

ازدواج صور متفاوتی داشت که برخی از آنها امروزه منسوخ شده است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

۱- ازدواج ربایشی (Marriage by capture): یعنی ربودن دختر به عنوان همسر که خاص یک ناحیه از جغرافیا نیست؛ بلکه در بسیاری از نقاط جهان دیده می‌شود.

۲- ازدواج از طریق خرید همسر (Marriage by Purchase): در شرایطی چون پدرسالاری یعنی انتقال تمامی امتیازات، مناصب و فرصت‌های اجتماعی مردان، که فرآیند کالایی یا کالا شدن زن صورت می‌گیرد.

۳- ازدواج موقت: نوعی از ازدواج است که از نظر زمانی از قبل مشخص است و مبلغی از قبل بین زن و مرد تعیین گشته که به زن پرداخت می‌شود و هیچ یک از طرفین از دیگری ارث نخواهد برد.

۴- ازدواج تنظیم شده یا فرمایشی (Arranged marriage): منظور نوع خاصی از ازدواج است که در آن گزینش همسر از طریق والدین یا بزرگترها و معمولاً بدون حضور و حتی نظارت طرفین صورت می‌پذیرد.

۵- ازدواج خصوصی (Clandestine marriage): منظور زندگی مشترک یک زوج است؛ بدون آنکه هیچ تشریفات شرعی یا عرفی را رعایت نموده باشند و حتی قصد ازدواج از جانب طرفین عنوان شده باشد.

۶- ازدواج آزمایشی (Trial marriage): این نوع ازدواج، طلاقی را در برخواهد داشت که به آن طلاق ارتجالی اطلاق می‌شود؛ بدین معنی که در صورت عدم تحقق شرط قطعی شدن زوجیت، خانواده تشکیل شده خودبه‌خود از هم می‌پاشد.

۷- ازدواج دوستانه (Companionate marriage or marriage of comradeship): ازدواجی است آسان و فاقد مراسم سنگین و هزینه‌های معمول که دو جوان یکدیگر را برمی‌گزینند و زندگی مشترک را آغاز می‌کنند و با تولد فرزند یا هر واقعه، ازدواجشان صورت طبیعی می‌یابد (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۰۰-۷۵).

در قرآن کریم نیز به تفصیل به بحث انواع و اقسام ازدواج پرداخته شده است. در این بخش، برخی از انواع ازدواج که در قرآن کریم به آن اشاره شده است، مطرح می‌شود.

ازدواج با کنیز: در این نوع ازدواج، مرد همسر دلخواه خویش را از طریق معامله به دست می‌آورد. این نوع ازدواج پس از ظهور اسلام نیز ادامه یافت: «...وَأَحِلَّ لَكُمْ مَا وَّرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ...» اما زنانی دیگر غیر از این‌ها برای شما حلال است که با اموال خود آنان را اختیار کنید، در حالی که پاکدامن باشید و از زنا خودداری نمایید.» (بهرامی، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۷۷-۴۲).

«وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكَحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ فِتْيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ...» و آنان که توانایی ازدواج با زنان پاکدامن با ایمان را ندارند، می‌توانند با زنانی پاکدامن از بردگان باایمانی که در اختیار دارند، ازدواج کنند.» (نساء/۲۵) (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۴۷).

ازدواج موقت: در قرآن کریم به این نوع ازدواج نیز اشاره شده است: «...فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ...» و زنانی که متعه می‌کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید و گناهی بر شما نیست در آن چه بعد از تعیین مهر با یکدیگر توافق کرده‌اید.» (نساء/۲۴) (نقل از مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۳۵) آیه ۶ سوره مؤمنون، هم به ازدواج دائم و هم به ازدواج موقت اشاره دارد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۲۴).

۲-۲-۳- کارکردهای خانواده

۱. **کارکرد تولید نسل:** خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً...» ای مردم بترسید از عسیان پروردگار خود؛ آن خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و هم از آن جفت او را خلق کرد و از آن دو تن، خلقی بسیار در اطراف عالم از مرد و زن برانگیخت.» (نساء/۱)

از این سنخ آیات استخراج می‌شود که گزینه جنسی باعث تداوم نسل است (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸:

۳۵-۵۴). در آیه ۲۲۳ سوره بقره، خداوند ازدواج را وسیله‌ای برای حفظ نوع بشر بیان می‌کند و به ضرورت وجود زن در اجتماع انسانی و اینکه انسان برای ادامه نوع خود به وجود زن نیازمند می‌باشد، اشاره می‌نماید: «نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاتُوا حَرْثَكُمْ أَنِّي شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ...» (بقره/۲۲۳) (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲: ۹۶). حاصل کلام آیه، این است که نسبت زنان به جامعه انسانی نسبت کشتزار به انسان کشت کار است. همان‌طور که کشتزار برای بقای بذر لازم است و اگر نباشد بذرها به کلی نابود می‌شود و دیگر غذائی برای حفظ حیات و ابقای آن نمی‌ماند همچنین اگر زنان نباشند نوع انسانی دوام نمی‌یابد و نسلش قطع می‌شود. و مراد از عبارت «وَقَدِّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ» واداشتن انسان‌ها به ازدواج و تناسل است تا نوع بشر به منظور بقای دین در زمین باقی بماند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۱۹-۳۲۰).

مطابق آیه ۱۱ سوره شوری نیز ازدواج یکی از نشانه‌های بزرگ تدبیر پروردگار و ربوبیت و ولایت اوست که برای انسان‌ها، همسرانی از جنس خودشان، آفریده که از یک سو مایه آرامش روح و جان هستند و از سوی دیگر مایه بقاء نسل و تکثیر مثل و تداوم وجود او: «فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۶۶).

۲. کارکرد اجتماعی کردن یا جامعه‌پذیری: خانواده اولین محیط برای تعلیم و تربیت کودک است. فضایل اخلاقی در این محیط رشد می‌کند و سنگ بنای اخلاق انسان در خانواده نهاده می‌شود (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۸: ۱۱۸-۹۱). جامعه‌پذیری فرآیندی است که از طریق آن افراد نگرش‌ها، ارزش‌ها و کنش‌های مورد پذیرش جامعه خود را فرا می‌گیرند. در میان همه ادیان، دین مبین اسلام تأکید بیشتری بر فرآیند جامعه‌پذیری و نقش آن در شکل‌دهی شخصیت انسان دارد (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸: ۵۴-۳۵). این مهم در آیات مختلف قرآن کریم به چشم می‌خورد.

قرآن کریم یکی از روش‌های مؤثر بر اجتماعی کردن و تعلیم و تربیت فرزندان را استفاده از تلاف و مهربانی در بیان ارزش‌ها و هنجارها بیان می‌کند. آیات ۱۳ تا ۱۹ سوره لقمان تأکید می‌کند که مؤثرترین آموزگاران مدرسه یا خانه، پدر و مادر هستند که هریک به نوبه خود سهم بزرگ و خاصی در این امر مهم خواهند داشت (امیری گروسی، ۱۳۷۴: ۴۹۸). در این آیات، لقمان در مقام موعظه کردن، با تلاف و مهربانی سخن می‌گوید و فرزندش را با مهربانی پند می‌دهد و سپس گفته خویش را بر پایه استدلال استوار می‌کند؛ زیرا تندی و پرخاش کردن، نه تنها امکان تأثیر موعظه را از بین می‌برد، بلکه سبب گستاخی و تجزی می‌گردد (مظاهری، ۱۳۶۴: ۳۵). آیه ۷۴ سوره فرقان «الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» یکی از ویژگی‌های مؤمنان راستین را توجه خاص آن‌ها به تربیت فرزند و خانواده خویش و احساس مسؤولیت آنها می‌داند؛ در معنی این آیه آمده است: «آنها پیوسته از درگاه خدا می‌خواهند که پروردگارا همسران و فرزندان ما را کسانی قرار ده که مایه روشنی چشم ما گردند.» (مکارم شیرازی و همکاران، ج ۱۵، ۱۳۷۴: ۱۶۷).

خداوند در آیه ۶ سوره تحریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...» خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها هستند، نگاهدارید. این آیه بیانگر این است

که حق زن و فرزند تنها هزینه زندگی و مسکن و تغذیه نیست؛ مهمتر از آن، تغذیه روح و جان آنها و به کار گرفتن اصول تعلیم و تربیت صحیح است (همان: ۲۸۷). این آیه مسئولیت خانواده را بسیار سنگین و حساس بیان می‌کند و همسررداری و تربیت فرزند را دارای احکام و ویژه‌ای می‌داند. علت حساسیت این موضوع در آیه ۱۵ سوره زمر به خوبی بیان شده است: «... إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ...» همانا ورشکسته‌ترین افراد کسانی هستند که خود و خانواده خویش را ادر اثر سوء تربیت یا کوتاهی در تعلیم و تربیت [در روز قیامت به زیان انداختند. هان! این همان خسران و زیان آشکار است. (مظاهری، ۱۳۶۴: ۲۱).

بحث تعلیم و تربیت در مباحث اسلامی به قدری قابل توجه است که در قرآن کریم یکی از دلایل بعثت پیامبر اکرم (ص)، ضرورت متوجه ساختن انسان‌ها به بحث تعلیم و تربیت در خانواده عنوان شده است. هنگامی که پیامبر اکرم (ص) نیز به رسالت مبعوث شد، فرمان یافت که خویشاوندان خود را از خدا بترساند؛ یعنی سازندگی جامعه را از ساختن خانواده خویش آغاز نماید: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ: ای پیامبر خویشاوندان خود را از خدا بترسان» (شعر/۲۱۴) (همان: ۱۰۱).

قرآن کریم، درونی کردن ارزش‌های دینی را نیز یکی از وظایف خانواده و پدر و مادر ذکر می‌کند؛ چنانچه تشویق و امر به خواندن نماز را به عنوان یکی از مناسک دینی مهم برعهده سرپرست خانوار نهاده است: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى: اهل بیت خود را به نماز امر کن و خود نیز بر این عبادت صبر و استقامت داشته باش، ما از تو روزی کسی را نمی‌طلبیم، بلکه روزی دهنده‌ایم و عاقبت محمود و پایان نیک از آن اهل تقواست.» (طه/۱۳۲) دعوت خویشان به انجام فریضه نماز در سیره پیامبران نیز دیده می‌شود. یکی از ویژگی‌های حضرت اسماعیل دعوت زن و فرزند به نماز بود: «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ...» (مریم/۵۵) و نیز در قرآن مجید می‌خوانیم که حضرت ابراهیم اقامه نماز را برای خود و نسلش تا قیامت از خداوند درخواست کرد: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي...» (ابراهیم/۴۰) (انصاریان، ۱۳۷۶: ۳۴۷).

از دیگر نکات تربیتی بسیار مهم در قرآن کریم، نحوه ابراز محبت به فرزندان می‌باشد. خداوند در آیات ۱۴-۱۱ سوره یوسف نیز به یک نکته مهم تربیتی اشاره می‌فرماید که پدر و مادر باید از محبت‌های کاذب خودداری نموده و زمینه استقلال‌یابی فرزندان را مهیا سازند. همچنین در آیات ۱۰-۷ همین سوره، بر ابراز محبت پدر و مادر به فرزندان خود؛ البته به صورتی که حسادت دیگر فرزندان را تحریک نکنند، تأکید شده است (مکارم شیرازی و همکاران، ج ۹، ۱۳۷۴: ۳۲۷).

بنابراین مشاهده می‌گردد که فرآیند جامعه‌پذیری در خانواده و اهمیت آن به خوبی در قرآن کریم مورد ارزیابی قرار گرفته است؛ در نتیجه بیشترین تأکید در قرآن کریم بر درونی کردن ارزش‌ها و باورهای دینی و اخلاقی است.

۳. کارکرد عاطفی خانواده: اسلام با درک واقعیت‌های زندگی انسان و توجه به نیازهای روانی او، بر جریان کارکرد عاطفه و همراهی در خانواده تأکید کرده است. قرآن کریم رابطه زن و شوهری و تشکیل خانواده را مایه سکون و آرامش زن و مرد دانسته و آن را نشانه‌ای از عظمت و قدرت خداوند برمی‌شمرد.

بنا به گفته قرآن کریم، همسران پاکدل مایه آرامش یکدیگرند (مکارم شیرازی و همکاران، ج ۲۴، ۱۳۷۴: ۹۲) در واقع خداوند از دواج را مایه آرامش و دوستی و رحمت میان زنان و مردان معرفی می‌کند: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ: یکی از نشانه‌های خداوند این است که برای شما از خودتان همسرانی بیافریند، تا در کنار آن آرام بگیرید و میان شما دوستی و مهربانی قرارداد. همانا در این امر انس و الفت و مهربانی بین زن و شوهر که در حقیقت اساس و پایه محکم زندگانی و باعث آسایش و راحتی است [برای مردمی که اهل تفکر و تعقل هستند، نشانی از حکمت الهی است]» (روم/۲۱).

اسلام با تشریح ازدواج و تأمین آرامش و قرار، بزرگترین خواسته بشر را به او هدیه داده است. با تأمین آرامش و سکون کلید سلامت روح و روان در اختیار آدمی قرار می‌گیرد و مسیر تکامل و تعالی به روی وی باز می‌شود.

۴. کارکرد تنظیم روابط جنسی: دانشمندان بر این نکته تأکید کرده‌اند که مسائل جنسی در زناشویی نقش مهمی را بازی می‌کند و داشتن روابط جنسی مطلوب، از ضروریات هر خانواده می‌باشد. با دقت در متون دینی اسلام با طیف وسیعی از آیات و روایات روبه‌رو می‌شویم که به‌غریزه جنسی انسان‌ها پرداخته‌اند. از سوی دیگر همه آیات و روایاتی که مسلمانان را به ازدواج و تشکیل خانواده دعوت می‌کنند، به‌نوعی به رفتارهای جنسی انسان‌ها توجه دارند؛ خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً...: ای مردم برسید از عصیان پروردگار خود؛ آن خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و هم از آن جفت او را خلق کرد و از آن دو تن، خلقی بسیار در اطراف عالم از مرد و زن برانگیخت.» (نساء/۱) از این سنخ آیات استخراج می‌شود که غریزه جنسی باعث تداوم نسل است (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸: ۵۴-۳۵).

۲-۲-۳-۴- انواع خانواده

براساس تعالیم اسلامی، خانواده مجموعه‌ای است از افراد با رابطه‌های سببی و نسبی که اعضای آن متناسب با نوع نسبت و ویژگی‌های ارتباط، در مقابل هم مسئولیت‌های اجتماعی، اخلاقی، حقوقی، عاطفی، اقتصادی و دینی دارند. سه مرتبه خانواده در اسلام دیده می‌شود:

خانواده مرتبه اول: زن و شوهر و فرزندان بدون واسطه (خانواده هسته‌ای)

خانواده مرتبه دوم: زن و شوهر، فرزندان، والدین زن یا شوهر و اجداد فرزندان (خانواده گسترده).

خانواده مرتبه سوم: زن و شوهر، فرزندان، والدین زن یا شوهر، دایی، خاله، عمه و عموی فرزندان (خانواده مرکب).

این اولویت‌بندی براساس مسئولیت‌ها و قوانین حقوقی، اخلاقی و اقتصادی اسلام در نظر گرفته شده است. بیشتر آیات قرآن که به روابط اعضای خانواده مربوط می‌شود، به مسائل خانواده مرتبه اول پرداخته است (بقره/۲۲۹، ۲۲۸، ۱۸۷، ۱۰۲، ۲۳۱؛ آل عمران/۱۴۰؛ نساء/۱۲۸، ۳۵، ۳۴، ۲۱، ۳، ۱۲۹ و ۳۲؛ نور/۳۲؛

فرقان/۷۴؛ روم/۲۱؛ مجادله/۴-۱؛ تغابن/۱۴؛ تحریم/۵، ۱ و ۱۱؛ در مقابل، آیات کمتری به خانواده مرتبه دوم (بقره/۱۳۲؛ یوسف/۹۳، ۱۲، ۸، ۱۰؛ اسراء/۲۳ و ۲۴) اشاره کرده است و همچنین تنها در برخی از مسائل همچون ارث، از خانواده مرتبه سوم (نساء/۱؛ انفال/۷۵ و احزاب/۵۰) یاد شده است.

می‌توان گفت از نظر تعالیم اسلام، خانواده هسته‌ای و گسترده، هر دو مورد قبول است؛ اما برای هر یک، وظایف و مسئولیت‌های جداگانه در نظر گرفته شده است و توصیه به اخلاقیات نیز بیشتر در خانواده هسته‌ای می‌باشد؛ از آنجا که گزینه فطری محبت، میان پدر و مادر و فرزندان از استحکام بیشتری برخوردار بوده و صمیمیت و عواطف بیشتری در آن جریان دارد، نیازی به وفور تأکید اخلاقی بر تقویت این رابطه حس نمی‌شود.

اگرچه شمار احکام اخلاقی در رابطه میان والدین و فرزندان از شمار احکام حقوقی مربوط به همین رابطه، بیشتر است؛ اما همین توصیه‌های اخلاقی در رابطه میان زن و شوهر چند برابر می‌گردد و کثرت دستورات اخلاقی و حقوقی پیرامون خانواده مرتبه اول، صحت این موضوع را تأیید می‌کند که روابط میان زن و شوهر نیازمند تقویت و حمایت بیشتری است تا در معرض زوال قرار نگیرد.

۲-۲-۳-۵- خویشاوندی

نظام خویشاوندی در قرآن کریم به‌طور کامل تشریح شده است؛ به‌گونه‌ای که آیاتی چند نیز در بیان اهمیت خویشاوندان و بستگان آمده است؛ در آیه ۵۴ سوره فراقان، به دنبال آفرینش انسان، سخن از گسترش نسل‌ها به میان آمده و خداوند این انسان را از دو شاخه گسترش داده است: شاخه نسب و صهر؛ منظور از نسب، پیوندی است که در میان انسان‌ها از طریق زاد و ولد به وجود می‌آید و منظور از صهر، داماد است؛ یعنی پیوندهایی که از این طریق بین دو طایفه برقرار می‌شود؛ مانند پیوند انسان با نزدیکان همسرش: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا» در سوره نساء نیز به هفت مورد از محارم از طریق نسب (مادر، دختر، خواهر، عمه، دختر برادر و دختر خواهر) و به ۴ مورد از موارد سبب و صهر (دختر همسر، مادر همسر، همسر فرزند و همسر پدر) اشاره شده است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۱۲۷).

علاوه بر نکات فوق، اهمیت نظام خویشاوندی، نحوه تعامل با خویشاوندان و نیکی به آنها، حل مشکلات خویشاوندان و رعایت عدالت در میان آنها از نکات دیگری است که در آیات قرآن کریم در باب موضوع خویشاوندی به چشم می‌خورد. آیات ۲۲ و ۲۳ سوره محمد، در بیان اهمیت نظام خویشاوندی، تذکر می‌دهد که قطع کننده خویشاوندی، مورد لعن خداوند قرار می‌گیرد. آیاتی چند از قرآن کریم نیز مهربانی کردن به خویشان را در کنار مهربانی به دوستان و همسایگان قرار می‌دهند (نساء/۳۵؛ روم/۳۸ و نور/۲۲). قرآن مجید، احسان و نیکی به بستگان و خویشان را در طول عبادت خدا و احسان به پدر و مادر قرار داده و با این برنامه خواسته عظمت پیوند با اقوام را بیان کند: «...لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ...: جز خدا را عبادت نکنید و به پدر و مادر و خویشان خود احسان کنید» (بقره/۸۳)

همچنین قرآن مجید از مؤمن می‌خواهد برای حل مشکل بستگان و اقوام و به جریان افتادن زندگی آنان، کوشش نماید: «...وَأَتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ...» (بقره/۱۷۷). اقوام و بستگان به‌اندازه‌ای موضع‌شان

در زندگی و رابطه با انسان مهم است که جزء وارثان بعد از مرگ انسانند: «وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ... چون در تقسیم ماترک میت بستگان و خویشان حاضر شوند.» (نساء/۸) خداوند مهربان همه را به عدالت، احسان و بذل، امر می‌کند؛ به‌خصوص در این زمینه از اقوام و بستگان نام می‌برد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ...» (نحل/۹۰) و «وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ...» (نور/۲۲) (انصاریان، ۱۳۷۶: ۴-۴۹۳).

۲-۲-۳-۶- روابط در خانواده

خانواده جایگاه تلاقی سه نوع رابطه است: رابطه متقابل پدر و مادر- فرزندی، رابطه هم‌خونی (قرابت نسبی) و رابطه زناشویی (قرابت سببی) (بهنام، ۱۳۸۳: ۱۹). فرزندان و خانواده رابطه مستقیمی با یکدیگر دارند. روابط ناشی از نقش همسران و والدین به وسیله وظایف، تکالیف و حقوق آنها در خانواده مشخص شده است (گود، ۱۳۵۲: ۱۸۷). روابط فرزندان با والدین- به صورت متقابل- و روابط زوجین با یکدیگر و حقوق و وظایف آنها نسبت به یکدیگر، از مهم‌ترین نوع روابط در خانواده به شمار می‌روند که در قرآن کریم نیز به این دو نوع رابطه توجه ویژه‌ای شده است و در ادامه شرح داده می‌شوند.

۲-۲-۳-۱-۶- رابطه فرزندان با والدین

مهم‌ترین رابطه‌ای که بین انسان با انسان دیگر تحقق می‌یابد، رابطه تکوینی فرزند با پدر و مادر است؛ وظایفی که فرزندان در قبال والدین خود باید به انجام برسانند. از این رو در قرآن کریم، معیار ارزش‌ها در مورد پدر و مادر، احسان است. در آیات بسیاری آمده که فرزند نسبت به پدر و مادر باید احسان کند و از اینجا روشن است که حق پدر و مادر بر فرزند تا چه حدی است؛ به طوری که در سایر افراد جامعه نسبت به یکدیگر نمی‌توان برای آن مشابهی یافت. یکی از وظایف فرزندان در قبال والدین و یکی از حقوق والدین بر فرزندان، احترام به والدین و نیکی کردن به آنها می‌باشد. تعبیراتی در قرآن کریم هست که بسیار قابل توجه است و اهمیت این مسأله را به خوبی روشن می‌کند؛ در آیات ۱۴ سوره لقمان و ۸ سوره عنکبوت، احترام به پدر و مادر در کنار سپاس‌گذاری از خداوند قرار گرفته است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۳۵). در آیه ۱۵۱ سوره انعام، اهمیت نیکی به پدر و مادر بلافاصله بعد از مبارزه به شرک و قبل از دستورهای مهمی مانند تحریم قتل نفس و اجرای اصول عدالت تذکر داده شده است که نشان دهنده اهمیت آن است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۶: ۳۲). آیات ۲۴، ۲۳ و ۲۵ سوره اسراء نیز بیان‌کننده دقت فوق‌العاده در احترام به پدر و مادر می‌باشد. در ۴ سوره قرآن مجید (آیه ۸۳ سوره بقره، آیه ۳۶ سوره نساء، آیه ۱۵۱ سوره انعام و آیات ۲۴ و ۲۳ سوره اسراء) نیکی بر والدین بلافاصله بعد از مسأله توحید قرار گرفته است، در آیه ۱۴ سوره لقمان، به خصوص بر حق مادر بسیار تأکید شده است:

«وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ...» البته در آیه ۱۵ همین سوره و آیه ۸ سوره عنکبوت استثنایی ذکر می‌شود و آن این است که هرگز رابطه انسان و پدر و مادرش نباید مقدم بر رابطه او با خدا باشد؛ فرزندان باید در برابر فشارهای منفی پدر و مادر مقاومت و استقلال فکری خود را حفظ کنند: «وَأَنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا...» سپس اضافه می‌فرماید: «وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا

مَعْرُوفًا» با اینکه مشرکند و اصرار دارند که تو را هم مشرک کنند؛ در عین حال نباید با ایشان بدرفتاری کنی؛ بلکه «باید در زندگی دنیا رفتارت با ایشان براساس نیکی باشد.»

آیات ۲۷-۳۲ سوره مریم نیز ضمن بیان داستان حضرت عیسی (ع) به اهمیت مقام مادر اشاره دارد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۳: ۵۶). آیات ۱۷ تا ۱۹ سوره احقاف بیان‌کننده حق پدر و مادر بر فرزندان و عاقبت افرادی است که نسبت به مقام پدر و مادر خود بی‌احترامی و اسائه ادب می‌کنند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲: ۸-۳۳۷). آیات ۷۴-۶۷ سوره بقره ضمن بیان داستان گاو بنی اسرائیل، مزایایی نیکی به والدین را بیان می‌کند که هم سعادت دنیوی و هم اخروی را هم به همراه دارد. آیات ۸۲-۷۹ سوره کهف نیز بیان‌کننده کوتاه شدن عمر به خاطر آزار پدر و مادر است. همچنین این آیات نشان‌دهنده آثار ایمان پدران برای فرزندان می‌باشد (همان: ۵۱۹). حقوق فرزندان بر پدر و مادر نیز در بخش کارکرد اجتماعی کردن خانواده به‌طور مفصل بیان شد. (تربیت مناسب، برخورداری از محبت والدین و خوشرفتاری با آنها در خانواده).

۲-۲-۳-۲-۶-۲- روابط همسران با یکدیگر

کیفیت رابطه میان زن و شوهر از جمله موضوعاتی است که در قرآن کریم در باب خانواده مطرح شده است. آیه ۲۱ سوره روم بیانگر پیوند محبت دو همسر به‌صورت فطری می‌باشد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۶). این آیه بدین معنی است که تنها با تحقق پیمان زناشویی به‌طور تکوینی، محبت و رحمتی در افراد به‌وجود می‌آید. آیه ۱۸۷ سوره بقره نیز به ارتباط معنوی زن و مرد و نزدیکی آنها به یکدیگر و مساوات آنها در این زمینه اشاره می‌کند. این آیه بیان می‌دارد که: «... هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ...: زنان لباس شما هستند و شما لباس آنهاید»؛ در نتیجه زن و مرد همدیگر را از انحرافات دور می‌کنند، عیوب هم را می‌پوشانند، وسیله راحتی و آرامش یکدیگرند و هر یک زینت دیگری محسوب می‌شوند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱: ۶۵۰). آیه ۳۵ سوره احزاب نیز به برابری زن و مرد در پیشگاه خداوند و شخصیت زن در اسلام اشاره دارد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۳۰۷).

در میان آیات قرآن کریم به حقوق و وظایف زن و مرد نسبت به یکدیگر در خانواده نیز اشاره شده است؛ آیه ۲۲۸ سوره بقره به احترام متقابل میان زن و مرد و رعایت حقوق متقابل یکدیگر اشاره دارد؛ این آیه بیان می‌دارد؛ به همان اندازه که زنان وظایفی دارند، حقوقی هم برای آن قرار داده شده است و از تساوی این حقوق با آن وظایف، اجرای عدالت در حق آنان عملی می‌گردد و قانون عدالت در حق زن همانند مرد جاری است: «... وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ...: و مانند همان حقوقی که مردان بر زنان دارند، زنان به نحو معروف بر مردان دارند» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۲۸).

«... وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...: با همسران خود خوشرفتاری کنید.» (نساء/ ۱۹) و «... قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ...: ما هر آنچه را در رابطه با زنانشان بر آنان واجب کرده‌ایم، می‌دانیم» (احزاب/ ۵۰) (انصاریان، ۱۳۷۶: ۳۶۶).

۲-۳-۷- مسأله سرپرستی خانواده

از دیدگاه اسلام هر اجتماعی که تشکیل می‌شود، به سرپرستی نیاز دارد - از نظر حقوقی نیز وقتی خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماع تشکیل شد، سرپرست می‌خواهد. - بدین لحاظ اسلام برای خانواده سرپرست تعیین کرده است: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...» (نساء/۳۴). براساس این آیه، سرپرستی خانواده به عهده مرد است و طبعاً زن و فرزندان باید سرپرستی وی را بپذیرند. این پذیرش گاهی در حد پذیرش قانونی است که مربوط به حقوق است؛ اما در اینجا پذیرش بالاتری مورد توجه است و آن پذیرش از نظر اخلاقی است؛ همسر و فرزندان باید اخلاقاً خود را به سرپرستی پدر ملتزم بدانند و حرمت وی را حفظ کنند؛ البته شرط موفقیت در این فرماندهی، حکومت بر دل افراد می‌باشد (مظاهری، ۱۳۶۴: ۲۴ و ۲۶).

در خانواده کم و بیش مسائلی پیش می‌آید که ارتباط زیادی با زن دارد و آن چنان نیست که مرد به تنهایی بتواند تصمیم بگیرد؛ در این موارد اسلام اصل دیگری را مطرح می‌کند و آن اصل «تشاوری» است. مرد و زن در این‌گونه مسائل - که هر دو در آن شریک هستند و گاهی با زن ارتباط بیشتری دارد تا مرد - باید با هم مشورت کنند و سعی کنند آنچه مصلحت است، درک کنند و براساس آن تصمیم بگیرند؛ قرآن کریم می‌فرماید:

«...فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا...» اگر پدر و مادر با هم مشورت کردند و هر دو راضی شدند که بچه را از شیر بگیرند، اشکالی ندارد. «(بقره/۲۳۳)؛ پس اصل دومی که می‌بایست در مسائل خانوادگی رعایت بشود، اصل تشاوری است.

۲-۳-۸- شیوه حل اختلافات در خانواده

خانواده کانون احساسات و عواطف است و طبعاً مقیاسی است که در این محیط باید به کار رود تا آنجا که قرآن مجید دستور می‌دهد حتی اختلافات نیز در این محیط مقدس از طریق اخلاقی و عاطفی حل گردد و اختلافات و نزاع را حتی الامکان در چهارچوب خانه نگاه دارید و اگر چاره‌ای جز بازگو نمودن اختلافات نداشتید، از حکمیت و داوری استفاده کنید (مظاهری، ۱۳۶۴: ۸۲).

خداوند جلیل در آیه ۳۵ سوره نساء می‌فرماید: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقُ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَبِيرًا» در صورت بروز اختلاف و نزاع میان دو همسر ابتدا باید مقدمات صلح و سازش فراهم گردد و حاکمی از بستگان مرد و زن انتخاب شود که باید دلسوز باشد. در واقع محکمه صلح خانوادگی یکی از شاهکارهای اسلام محسوب می‌گردد و اشاره به این دارد که بهترین مکان برای حل مسائل خانوادگی در درون خود خانواده است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۷۱). اما اگر این سلاح نیز موثر نیفتاد و به هیچ وجه نتوانستند با یکدیگر سازش کنند، باید به‌طور معروف و شایسته‌ای از هم جدا شوند: «...فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَّرَّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا: وقتی تشخیص دادید زندگی مشترک قابل ادامه نیست، زنان را با نیکی رها سازید» (احزاب/۴۹) در آیه دیگری از قرآن کریم اشاره شده است: «حتی اگر به جهاتی از همسر خود رضایت ندارید و در دل ناخشنودید، از ابراز آن بپرهیزید و از به کدورت کشاندن کانون خانواده بپرهیزید که اگر این‌گونه عمل کردید، پروردگار شما به جبران این عمل، خیرات و برکات فراوان نصیب شما می‌گرداند.» (نساء/۱۹)

۲-۳-۹-طلاق

در بررسی‌های اجتماعی، انحلال قانونی و شرعی و عرفی ازدواج را تحت شرایط و مقرراتی «طلاق» می‌نامند. در مفهوم محدود و اخص، انحلال رابطه زن و شوهری در ازدواج دائمی را که بعد از آن از نظر رعایت حقوق و تکلیف مربوط به زناشویی مسئولیتی برای زن و شوهر نخواهد بود، طلاق می‌گویند (تقوی، ۱۳۷۹: ۲۰). به نظر ویلیام گود، گسیختگی خانواده را می‌توان شکستن واحد خانوادگی و یا تجزیه ترکیبی از نقش‌های اجتماعی تعریف کرد؛ به دلیل آن که یک یا چند تن از اعضای خانواده از عهده انجام تکالیف ناشی از نقش خود، آن طور که باید و شاید برنیامده‌اند؛ بنابراین تعریف، طلاق یکی از انواع گسیختگی‌های خانوادگی به شمار می‌رود (گود، ۱۳۵۲: ۲۴۸).

در آیات متعددی از قرآن کریم به پدیده طلاق و شرایط آن پرداخته شده است؛ در آیه ۱ سوره طلاق، شرایط طلاق و جدایی مطرح شده است. در آیات ۷-۴ این سوره نیز احکام زنان مطلقه و حقوق آنها بررسی شده است (مکارم شیرازی و همکاران، ج ۲۴، ۱۳۷۴: ۲۲۵).

آیه ۴۹ سوره احزاب نیز به احکام طلاق (هدیه مناسب برای زنان مطلقه و جدانشدن از زنان مطلقه به شیوه‌ای مناسب) اشاره دارد (مکارم شیرازی و همکاران، ج ۱۷، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۳۷۰). آیات ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰ و ۲۳۶ سوره بقره و آیات ۲۱-۲۰ سوره نساء نیز احکام طلاق، انواع طلاق و شرایط طلاق را بیان می‌کنند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۳۷ و ۱۴۰).

۳-نتیجه

جامعه‌شناسی خانواده یکی از شاخه‌های تخصصی جامعه‌شناسی می‌باشد که به بررسی خانواده، ساختار و کارکردهای آن و روابط موجود در این نهاد می‌پردازد؛ از سوی دیگر رابطه میان نهاد خانواده و دیگر نهادها و نظام‌های اجتماعی در جامعه را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. نهاد خانواده در دین مبین اسلام از جایگاه بسیار والایی برخوردار بوده و به تبع آن در قرآن کریم نیز آیات فراوانی به مباحث مختلف مرتبط با موضوع خانواده اختصاص یافته است. بررسی تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده در باب موضوع جامعه‌شناسی خانواده در قرآن کریم، اهمیت وافر پرداختن به این موضوع را نشان می‌دهد. اما یکی از نقایص موجود در تحقیقات مورد بررسی، عدم بررسی چندساحتی و همه‌جانبه موضوع جامعه‌شناسی خانواده در قرآن کریم بود.

آنچه از بررسی مجموع آیات قرآن کریم کشف می‌گردد، این است که در قرآن کریم تمامی مباحث موجود در جامعه‌شناسی خانواده، بیان و راه‌کارهای ویژه نیز ارائه شده است. مطابق آیات قرآن کریم، نهاد خانواده از ماهیت ملکوتی و قدسی برخوردار است و روابطی اخلاقی، عاطفی و معنوی میان اعضای آن بایستی برقرار گردد. نهاد خانواده از دیدگاه قرآن در عین اجتماعی بودن، نهادی اخلاقی، معنوی و حقوقی است که حقوق و اخلاق در حیطه آن در هم تنیده است و محبت و عشق‌ورزی بر روابط آن حکم فرماست.

مطابق آیات قرآن کریم، بایستی در بررسی نهاد خانواده، به همه ابعاد آن توجه نمود و از بررسی تک بُعدی

آن پرهیز نمود. خانواده در نگاه اسلام و قرآن، بر مبنای ازدواج بین دو جنس مخالف شکل می‌گیرد که میان اعضای آن روابط نسبی و یا سببی حاکم بوده و آنها در مقابل هم از حقوق و تکالیفی برخوردارند و براساس مدیریت واحد اداره می‌شوند. خانواده در اسلام حاصل پیوند زن و مرد است و تولید مثل از اهداف طبیعت و لازمه بقاء و از انگیزه‌های اصلی و مهم ازدواج به‌شمار می‌رود و انحراف از این قانون طبیعی، انسان را از تعادل و تکامل باز می‌دارد. از منظر اسلام در خانواده مطلوب، سلسله مراتب به خوبی رعایت می‌شود.

پدر و مادر اقتدار ویژه‌ای دارند و فرزندان برای آنها احترام خاصی قائلند. میان زن و شوهر، اخلاق و عاطفه حکمرانی می‌کند و زن در مواردی می‌پذیرد که مرد تصمیم‌گیری نهایی را برعهده داشته باشد. زن و شوهر هر یک از احترام خاصی برخوردارند و تمام تلاششان ساختن کانونی سرشار از عواطف و معنویت و مهدی مناسب برای پرورش روحی و جسمی فرزندان است.

در چنین خانواده‌هایی که مودت و رحمت میان اعضای آن جاری است و اعضای آن آرامش را تجربه می‌کنند، همسویی طبیعت و شریعت به اوج خود می‌رسد و پرده‌ها و حجاب‌های خودخواهی و کدورت زدوده می‌شود و منشأ رشد ارزش‌ها و تبلور ایمان می‌گردد. در این خانواده‌هاست که آمیزه‌ای از اخلاق، معنویت و حقوق و تکالیف، زمینه پیشرفت و تعالی اعضای آن را فراهم می‌سازد.

منابع

قرآن کریم.

۱. امیری گروسی، غلامرضا (۱۳۷۴)؛ تعالیم قرآن با ترجمه و تفسیر از ائمه معصومین، تهران، آفرینش.
۲. انصاریان، حسین (۱۳۷۶)؛ نظام خانواده در اسلام، قم، ام ایپها.
۳. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶)؛ جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، تهران، سمت.
۴. بهرامی، محمّد (۱۳۸۵)؛ درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده در قرآن، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ۴۸، ۷۷-۴۲.
۵. بهنام، جمشید (۱۳۸۳)؛ تحولات خانواده، پویایی خانواده در حوزه‌های فرهنگی گوناگون، ترجمه: محمدجعفر پوینده، تهران، ماهی.
۶. پناهی، علی احمد (۱۳۸۹)؛ نقش التزام به آموزه‌های دینی در تربیت و استحکام خانواده، معرفت اخلاقی، ۲، ۹۶-۷۷.
۷. تقوی، نعمت‌الله (۱۳۷۹)؛ جامعه‌شناسی خانواده، تهران، دانشگاه پیام نور.
۸. جوانی، حجت‌الله (۱۳۸۹)؛ تأثیر آموزه‌های عرفانی اسلامی بر نهاد خانواده، دوفصلنامه تخصصی اسلام پژوهی، ۴، ۱۰۹-۸۵.
۹. چراغی کوتیانی، اسماعیل (۱۳۸۸)؛ رویکرد اسلام به چهار کارکرد مهم خانواده، معرفت، ۱۳۹، ۵۴-۳۵.
۱۰. حسینی کوهساری، اسحاق (۱۳۸۴)؛ پژوهشی قرآنی در خصوص جایگاه خانواده در اسلام، پژوهش‌های دینی، ۲، ۱۶۰-۱۳۹.
۱۱. حکمت‌نیا، محمود و همکاران (۱۳۸۶)؛ فلسفه حقوق خانواده، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
۱۲. زینتی، علی (۱۳۸۴)؛ فلسفه ازدواج در اسلام و مسیحیت، کتاب زنان، ۲۷، ۲۲۷-۱۹۷.
۱۳. ساروخانی، باقر (۱۳۸۵)؛ مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران، سروش.

۱۴. سگالن، مارتین (۱۳۷۷)؛ جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه: حمید الیاسی، تهران، نشر مرکز.
۱۵. شاهدهی، سامره و فرجودی، محمد علی (۱۳۸۹)؛ جایگاه شغلی زن در خانواده و اجتماع از دیدگاه قرآن، فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، ۴، ۱۳۲-۱۱۱.
۱۶. صفورایی پاریزی، محمدمهدی (۱۳۸۸)؛ اثربخشی رعایت آموزه‌های اخلاق اسلامی در کارآمدی خانواده، معرفت اخلاقی، ۱، ۱۱۸-۹۱.
۱۷. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۴)؛ تفسیر المیزان، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۱۶، ۱۵، ۴، ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۸. قائمی، علی (۱۳۶۴)؛ تشکیل خانواده در اسلام، تهران، امیری.
۱۹. گود، ویلیام (۱۳۵۲)؛ خانواده و جامعه، ویدا ناصحی (به‌نام)، تهران، کتاب.
۲۰. مدرسی، محمدتقی (۱۳۷۸)؛ تفسیر هدایت، ترجمه: عبدالمحمد آیتی و احمد آرام، جلد ۲، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۱. مظاهری، حسین (۱۳۶۴)؛ خانواده در اسلام، قم، شفق.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)؛ تفسیر نمونه، جلد ۲۴، ۲۱، ۲۰، ۱۷، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۹، ۴، ۳، ۲، ۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. منادی، مرتضی (۱۳۸۵)؛ جامعه‌شناسی خانواده: تحلیل روزمره‌گی و فضای درون خانواده، تهران، دانژه.
۲۴. مهدوی، محمدمصدق (۱۳۷۷)؛ بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج: نگرشی جامعه‌شناختی به مشکلات ازدواج جوانان در شهر تهران، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۵. یزدی، اقدس (۱۳۸۶)؛ اخلاق مادری در اسلام و فمینیسم، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم، ۳، ۱۸۳-۱۵۱.